

روم چشم انداز را برقرار می کند — شماره یک

تعبیر ذاتی

Jeff Pippenger

2024-06-28

اور ان ایام میں بہت سے لوگ جنوب کے بادشاہ کے خلاف کھڑے ہوں گے؛ اور تیرے لوگوں میں سے ظالم بھی اپنے آپ کو بلند کریں گے تاکہ اس رویا کو قائم کریں؛ لیکن وہ گر جائیں گے۔ دانی ایل 11:14.

واژه «تعلیم» در بستر مسیحیت، بیانگر حقایق تثبیت شده کتاب مقدس است. سازمان های گوناگونی که خود را مسیحی می دانند، مجموعه های متفاوتی از آنچه آموزه های کتاب مقدسی تعریف می کنند در اختیار دارند؛ اما فقط یک حقیقت وجود دارد. تمایز میان «حقیقت مطلق» و «کثرت گرایی» موضوعی است که در این مقطع خارج از دایره بحث ماست.

پس پیلاطس بدو گفت: «پس تو پادشاهی؟» عیسی پاسخ داد: «تو می گویی که من پادشاهم. برای همین زاده شدم، و برای همین به جهان آمدم تا بر حقیقت شهادت دهم. هر که از حقیقت است، آواز مرا می شنود.» پیلاطس بدو گفت: «حقیقت چیست؟» و چون این را گفت، باز نزد یهودیان بیرون رفت و به ایشان گفت: «من در او هیچ تقصیری نمی یابم.» یوحنا 18:37، 38.

حقیقت کلام خدا؛ و بی اُس کی آوازے اور وہی خود مسیح ہے۔

ما خود باید بدانیم که مسیحیت از چه تشکیل می شود، حق چیست، ایمانی که دریافت کرده ایم کدام است، و قوانین کتاب مقدس—قوانینی که از عالی ترین مرجع به ما داده شده است—چه هستند. بسیاری هستند که بدون دلیلی که بتوانند ایمان خود را بر آن استوار سازند، و بدون شواهد کافی درباره حقیقت امر، ایمان می آورند. اگر اندیشه ای عرضه شود که با عقاید از پیش پنداشته خودشان هماهنگ باشد، بی درنگ آماده اند آن را بپذیرند. آنان از علت به معلول استدلال نمی کنند؛ ایمانشان هیچ بنیان راستینی ندارد، و در زمان آزمایش خواهند یافت که بنای خود را بر شن نهاده اند.

«آن که با معرفت ناقص کنونی خود از کتب مقدس قانع و خرسند می ماند و آن را برای نجات خویش کافی می پندارد، در فریبی مهلک آرمیده است. بسیاری کسانی که به طور کامل به براهین کتاب مقدسی مجهز نیستند تا بتوانند خطا را تشخیص دهند و هر سنت و خرافه ای را که به عنوان حقیقت به ایشان قالب شده است محکوم سازند. شیطان اندیشه های خود را در پرستش خدا وارد کرده است تا سادگی انجیل مسیح را فاسد سازد. شمار بسیاری که مدعی ایمان به حقیقت حاضرند، نمی دانند چه چیزی ایمان آن را تشکیل می دهد که یک بار برای همیشه به مقدسان سپرده شد—مسیح در شما، امید جلال. آنان می پندارند که در حال دفاع از نشانه های کهن اند، اما ولرم و بی تفاوت اند. نمی دانند که درهم تنیدن در تجربه خویش و در اختیار داشتن فضیلت حقیقی محبت و ایمان چیست. ایشان دانشجویان دقیق کتاب مقدس نیستند، بلکه سست و بی توجه اند. هنگامی که اختلاف نظر درباره آیات کلام مقدس پدید می آید، اینان که با هدف مطالعه نکرده اند و درباره آنچه بدان ایمان دارند استوار و قاطع نیستند، از حقیقت منحرف می شوند. باید بر همه ضرورت جست و جوی مجدانه در حقیقت الهی را تأکید کنیم تا بدانند که حقیقت چیست و یقین داشته باشند که آن را می دانند. بعضی دعوی معرفت بسیار دارند و از وضع خود خرسندند، حال آنکه برای کار خدا، و برای جان هایی که مسیح برای ایشان مرد، بیش از آنچه هرگز خدا را نشناخته بودند، غیرتی بیشتر و محبتی سوزان تر ندارند. آنان کتاب مقدس را [به این منظور] نمی خوانند که

مغز و فربهی آن را به جان‌های خویش اختصاص دهند. احساس نمی‌کنند که آن، صدای خداست که با ایشان سخن می‌گوید. اما اگر بخواهیم طریق نجات را بفهمیم، اگر بخواهیم پرتوهای آفتاب عدالت را ببینیم، باید کتب مقدس را با هدف مطالعه کنیم، زیرا وعده‌ها و نبوت‌های کتاب مقدس پرتوهای روشن جلال را بر طرح الهی رستگاری می‌افشانند، حقایق عظیمی که به روشنی درک نشده‌اند.» The 1888 Materials, 403.

از ما خواسته شده است که بدانیم آن تعالیم چه هستند، و چگونه آن حقایق را عرضه کنیم، استوار سازیم و از آن‌ها دفاع کنیم.

«اکنون برای ما ممکن نمی‌نماید که کسی ناچار باشد به‌تنهایی بایستد؛ اما اگر خدا هرگز به‌وسیله من سخن گفته باشد، زمانی فرا خواهد رسید که به‌خاطر نام او در برابر شوراها و در برابر هزاران نفر حاضر خواهیم شد، و هر یک ناچار خواهد بود دلیل ایمان خود را بیان کند. آنگاه سخت‌ترین انتقادهای بر هر موضعی که برای حقیقت اتخاذ شده است وارد خواهد آمد. پس لازم است کلام خدا را مطالعه کنیم تا بدانیم چرا به تعالیمی که از آن‌ها دفاع می‌کنیم ایمان داریم. ما باید مکاشفات زنده یهوه را با دقتی نقادانه بجوییم.» 18 Review and Herald، دسامبر 1888.

برای آن‌که در برابر «هزاران» حاضر شوند، آشکار است که برخی از مدافعان حقیقت در ایام آخر ناگزیر خواهند بود از حقیقت در رسانه‌ای چون تلویزیون یا پخش‌های اینترنتی دفاع کنند. در غیر این صورت، چگونه ممکن بود هزاران تن شهادتی را که آن صد و چهل و چهار هزار نفر می‌دهند مشاهده کنند؟ تعالیمی که ما بدان‌ها معتقدیم، مبنای ایمان ما را مشخص می‌سازند.

«اعضای کلیسا به‌طور فردی آزموده و محک زده خواهند شد. آنان در اوضاع و شرایطی قرار خواهند گرفت که در آن ناگزیر خواهند بود برای حقیقت شهادت دهند. بسیاری فراخوانده خواهند شد تا در برابر شوراها و در دادگاه‌های عدالت سخن بگویند، شاید جداگانه و تنها. تجربه‌ای را که می‌توانست در این وضعیت اضطرابی به آنان یاری رساند، از کسب آن غفلت ورزیده‌اند، و جان‌هایشان از حسرت فرصت‌های تباه‌شده و امتیازات neglected بار سنگین ندامت بر دوش دارد.» Testimonies, volume 5, 463.

کلام خدا هرگز شکست نمی‌خورد؛ از این رو، اگر قرار است در شمار آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر محسوب شویم، باید بدانیم که بر اساس آنچه در کلام خدا نوشته شده است، به چه ایمان داریم. پیش از آن‌که زمان آزمون فرا رسد، هنگامی که قوم خدا ناگزیر شوند آموزه‌هایی را که بدان‌ها ایمان دارند توضیح دهند، خدا اجازه می‌دهد که خطاها وارد شوند تا قوم خود را وادارد که کلام او را به‌دقت و به‌صورت نقادانه مطالعه کنند.

«این واقعیت که در میان قوم خدا هیچ جدال یا آشفتگی‌ای وجود ندارد، نباید دلیلی قطعی شمرده شود بر اینکه ایشان به تعلیم صحیح استوار چنگ زده‌اند. جای آن هست که بیم داشته باشیم مبدا ایشان میان حق و باطل به‌روشنی تمییز ندهند. هنگامی که با تحقیق در کتب مقدس هیچ مسائل تازه‌ای مطرح نشود، هنگامی که هیچ اختلاف رأیی پدید نیاید که مردم را برانگیزد تا خود برای اطمینان از اینکه حقیقت را در اختیار دارند، کتاب مقدس را بجویند، آنگاه بسیاری در این زمان نیز، همچون روزگاران کهن، به سنت پایبند خواهند ماند و چیزی را عبادت خواهند کرد که آن را نمی‌شناسند.»

«به من نشان داده شده است که بسیاری از کسانی که اقرار می‌کنند معرفت حقیقت حاضر را دارند، نمی‌دانند به چه ایمان دارند. آنان ادله ایمان خود را درک نمی‌کنند. برای کار زمان حاضر قدردانی درست و شایسته‌ای ندارند. هنگامی که زمان آزمایش فرا رسد، مردانی که اکنون برای دیگران موعظه می‌کنند، با بررسی موضعی که بر آن ایستاده‌اند، خواهند یافت که چیزهای

بسیاری هست که برای آن‌ها نمی‌توانند دلیل رضایت بخشی ارائه دهند. تا هنگامی که بدین‌گونه آزموده نشده بودند، از جهل عظیم خود آگاه نبودند. و در کلیسا نیز بسیاری هستند که مسلم می‌پندارند آنچه را به آن ایمان دارند می‌فهمند؛ اما تا هنگامی که مجادله‌ای برنخیزد، از ضعف خود آگاه نیستند. چون از کسانی که هم‌ایمان ایشان‌اند جدا شوند و ناچار گردند به تنهایی و منفرد بایستند و اعتقاد خود را توضیح دهند، شگفت‌زده خواهند شد وقتی ببینند تصوراتشان درباره آنچه به عنوان حقیقت پذیرفته بودند، چه اندازه آشفته است. مسلم است که در میان ما روی‌گردانی از خدای زنده و روی‌آوردن به انسان‌ها رخ داده است، به گونه‌ای که حکمت بشری در جای حکمت الهی نهاده شده است.»

«خدا قوم خود را بیدار خواهد ساخت؛ اگر سایر وسایل ناکام بماند، بدعت‌ها در میان ایشان راه خواهد یافت، که آنان را غریب خواهد کرد و گاه را از گندم جدا خواهد ساخت. خداوند همه کسانی را که به کلام او ایمان دارند، فرامی‌خواند که از خواب بیدار شوند. نور گران‌بهای آمده است که مناسب این زمان است. این نور، حقیقت کتاب مقدسی است که خطراتی را که درست بر ما سایه افکنده‌اند، آشکار می‌سازد. این نور باید ما را به مطالعه‌ای جدی در کتب مقدسه و به سنجشی بس دقیق از مواضعی که بدان‌ها تمسک می‌جویم رهنمون شود. خدا می‌خواهد که همه جوانب و مواضع حقیقت، با دعا و روزه، به گونه‌ای کامل و پیگیرانه مورد بررسی قرار گیرند. ایمانداران نباید در گمان‌ها و تصورات مبهم درباره آنچه حقیقت را تشکیل می‌دهد، آرام گیرند. ایمان ایشان باید استوارانه بر کلام خدا بنیان نهاده شود، تا هنگامی که زمان آزمایش فرا رسد و ایشان برای پاسخ‌گویی درباره ایمان خود به حضور شوراها آورده شوند، بتوانند با حلم و ترس، دلیلی برای امیدی که در ایشان است ارائه کنند.»

«مضطرب کنید، مضطرب کنید، مضطرب کنید. موضوعاتی که ما به جهان عرضه می‌کنیم باید برای ما واقعیتی زنده باشند. مهم است که در دفاع از تعالیمی که آن‌ها را اصول بنیادین ایمان می‌شماریم، هرگز به خود اجازه ندهیم استدلال‌هایی به کار بریم که از هر جهت استوار نباشند. چنین استدلال‌هایی شاید برای خاموش ساختن یک مخالف کارگر افتند، اما مایه حرمت نهادن به حقیقت نمی‌شوند. ما باید استدلال‌های استوار ارائه کنیم؛ استدلال‌هایی که نه فقط مخالفان ما را خاموش سازند، بلکه نزدیک‌ترین و موشکافانه‌ترین بررسی را نیز تاب آورند. در میان کسانی که خود را برای مجادله‌آوری تربیت کرده‌اند، این خطر بزرگ وجود دارد که کلام خدا را با انصاف به کار نگیرند. در مواجهه با یک مخالف، باید کوشش صمیمانه ما این باشد که مطالب را به گونه‌ای عرضه کنیم که در ذهن او اقناع پدید آید، نه آنکه صرفاً در پی آن باشیم که به ایمان‌دار اطمینان ببخشیم.»

«هر اندازه هم که پیشرفت فکری انسان باشد، مبدا حتی برای لحظه‌ای بیندیشد که دیگر نیازی به کاوش ژرف و پیوسته در کتب مقدس برای نور بیشتر نیست. ما به عنوان یک قوم، به طور فردی فراخوانده شده‌ایم که شاگردان نبوت باشیم. باید با جدیت مراقب باشیم تا هر پرتوی از نوری را که خدا به ما عرضه خواهد کرد، تشخیص دهیم. ما باید نخستین فروغ‌های حقیقت را دریابیم؛ و از طریق مطالعه‌ای آمیخته با دعا، نوری روشن‌تر می‌توان به دست آورد که بتوان آن را در برابر دیگران قرار داد.» شهادت‌ها، جلد ۵، ۷۰۸.

«دانش‌آموزان نبوت» که سرانجام یک‌صد و چهل و چهار هزار تن را تشکیل خواهند داد، پیش از رویارویی‌شان با قدرت‌های زمینی که بحران قریب‌الوقوع قانون یکشنبه و آزار و جفا را پدید می‌آورند، «به طور فردی آزموده و ثابت» خواهند شد. وفاداران نخست به وسیله خدا «بیدار» خواهند شد. باکرگان خفته از خوابی که در ایام تأخیر بدان فرو رفته‌اند، «برانگیخته» خواهند شد. اگر آنان به وسیله پیامی که خدا از طریق مقالاتی که از ژوئیه ۲۰۲۳ به این سو منتشر شده است ارائه کرده، بیدار نشوند، آنگاه خدا اجازه خواهد داد که «بدعت‌ها» «در میان ایشان وارد شود»، و این امر از طریق

فرایند غربال‌گری، جدایی گندم و گُل را به کمال خواهد رسانید. ما اکنون در همان فرایند غربال‌گری هستیم.

برای کسانی که مناقشه مربوط به شناسایی درست روم جدید را دنبال کرده‌اند، سه گزینه وجود دارد. یک گزینه این است که ایالات متحده روم جدید است؛ گزینه دیگر این است که قدرت پاپی روم جدید است؛ و گزینه سوم این است که هر دو موضع پیشین نادرست‌اند و قدرتی دیگر به وسیله «غارتگران قوم دانیال» نمایانده شده است؛ همانانی که خویشان را برمی‌افرازند، سقوط می‌کنند، و رؤیای مذکور در آیه چهاردهم فصل یازدهم کتاب دانیال را برقرار می‌سازند.

من بر این باورم که اختلاف نظر درباره این که آیا «روم جدید» همان قدرت پاپی است یا ایالات متحده، برای این منظور اجازه یافته است که در این جنبش وارد شود تا قوم خود را وادار سازد کلام نبوی او را مطالعه کنند. خدا این مجادله را در جلوه‌ای از رحمت خویش پدید آورده است. من بر این باورم که این اختلاف نظر بیش از آن که صرفاً درباره تعیین این باشد که چه کسی در باب «روم جدید» بر حق است و چه کسی بر خطاست، مربوط به آماده ساختن قوم او برای بحران پیش رو است. این اختلاف نظر به وسیله خدا اجازه داده شد و از سوی او طراحی گردید تا برای هر که مایل به دیدن باشد آشکار سازد که فهم شخصی خود آنان از کلام نبوی او ناقص یا نادرست است. از این رو، این مجادله شاهی بر رحمت خداست.

به مناقشه صرف اس شناخت تک محدود نہیں کہ "تیرے لوگوں کے لٹیروں" سے ممثل قوت کون سی ہے، بلکہ اس بات کو بھی شامل کرتا ہے کہ سطر پر سطر کے اس طریق کار کو، جس کی پابندی کا اس مناقشہ کے دونوں فریق اقرار کرتے ہیں، آیا درست طور پر بروئے کار لایا جا رہا ہے یا نہیں۔ سطر پر سطر کے طریق کار سے متعلق نبوی قواعد میں خاص نبوی اصول شامل ہیں جو گہیوں اور کڑوی گھاس کی چھانٹی کے عمل کا حصہ ہوں گے۔ سطر پر سطر کے طریق کار کے تین عناصر، جن کے بارے میں میرا دعویٰ ہے کہ اس موجودہ مناقشہ میں غلط سمجھ جا رہے ہیں، یہ ہیں: مسیح بحیثیت حق، اور مسیح بحیثیت الفا اور اومیگا، اور نبوت کا سہ گانہ اطلاق۔

در نهایت، آنان که به برداشتی نادرست از آیه چهاردهم دانیال یازده پایبندند، معلوم خواهد شد که موضع اعتقادی خود را بر تفسیری شخصی بنا نهاده‌اند.

ما نیز کلام نبوتی استوارتر را داریم، که نیکو می‌کنید اگر بدان التفات نمایید، همچون به چراغی که در جای تاریک می‌درخشد، تا هنگامی که روز بدمد و ستاره صبح در دل‌های شما طلوع کند؛ و این را نخست بدانید که هیچ نبوت کتاب از تفسیر شخصی نیست. زیرا نبوت در زمان قدیم به اراده انسان پدید نیامد، بلکه مردان مقدس خدا، آنگاه که از روح القدس محرک می‌شدند، سخن گفتند. ۲ پطرس ۱۹:۱-۲۱

در مناقشه پیرامون آیه چهاردهم، نمونه‌ای از آنچه من «تفسیر شخصی» می‌دانم، در کتاب نبرد عظیم یافت می‌شود.

«از آنجا که سبب در سراسر عالم مسیحیت به نقطه ویژه مناقشه بدل شده است، و مقامات دینی و دنیوی برای تحمیل نگاه داشت یک‌سویه یا یکدیگر متحد شده‌اند، امتناع پیگیر اقلیتی کوچک از تن دادن به خواست عامه، آنان را آماج نفرت عمومی خواهد ساخت. استدلال خواهد شد که آن معدود کسانی که در برابر نهادی از کلیسا و قانونی از دولت می‌ایستند، نباید تحمل شوند؛ و این که بهتر است ایشان رنج بکشند تا آن که ملت‌های کامل در آشوب و بی‌قانونی فرو افتند. همین استدلال، قرن‌های بسیار پیش، از سوی «رؤسای قوم» بر ضد مسیح اقامه شد. قیافای حیل‌گر گفت: «برای ما مفید است که یک نفر برای قوم بمیرد و تمام امت هلاک نگردد.» یوحنا ۱۱:۵۰. این استدلال قاطع جلوه خواهد کرد؛ و سرانجام فرمانی بر ضد کسانی صادر خواهد شد که سبب

فرمان چہارم را مقدس می‌شمارند، و ایشان را مستحق سخت‌ترین مجازات اعلام خواهد کرد و به مردم آزادی خواهد داد کہ پس از مدتی معین آنان را به قتل برسانند. کاتولیسیم رومی در جهان قدیم و پروتستانٹیسیم مرتد در جهان جدید، نسبت به کسانی کہ ہمہ فرامین الهی را حرمت می‌نهند، راہی مشابه در پیش خواهند گرفت.» نبرد عظیم، 615.

«مسیحیتِ عالم» نمایانگر جامعہ جهانی مسیحیان، یا مجموعہ کلی کشورها و فرهنگ‌هایی است کہ اکثریت آن‌ها مسیحی‌اند. این اصطلاح غالباً برای دلالت بر بخش‌هایی از جهان بہ کار می‌رود کہ در آن‌ها مسیحیت دین غالب است و بر فرهنگ، قوانین، و ہنجارهای اجتماعی تأثیری چشمگیر نہادہ است. مسیحیتِ عالم، گسترہ جهانی مسیحیت را از حیث پیروان آن، تأثیر فرهنگی‌اش، و اہمیت تاریخی‌اش دربرمی‌گیرد. بدون حذف تکراری کہ در Ellen White CD-ROM وجود دارد، واژہ «Christendom» یکصد و ہفتاد و شش بار آمدہ است. از لحاظ جغرافیایی، خواہر وایت مشخص می‌سازد کہ مسیحیتِ عالم، بہ طور کلی، نمایانگر اروپا و قارہ‌های آمریکا است. در بافت نوشتار خواہر وایت، اروپا بہ عنوان «دنیای کهن» و قارہ‌های آمریکا بہ عنوان «دنیای نو» شناختہ می‌شوند.

«لیکن وہ درندہ جس کے سینگ برّہ جیسے تھے، "زمین میں سے اُبھرتا ہوا" دیکھا گیا۔ چنانچہ جو قوم اس کے ذریعے ظاہر کی گئی ہے، اسے اپنے قیام کے لیے دوسری قوتوں کو مغلوب کر کے قائم نہیں ہونا تھا، بلکہ اسے ایسے علاقے میں ظہور پذیر ہونا تھا جو پہلے غیر آباد ہو، اور وہ بتدریج اور پرامن طور پر ترقی کرے۔ پس وہ پرانی دنیا کی اُن گنجان اور برسرِ پیکار قومیتوں کے درمیان ظاہر نہیں ہو سکتی تھی۔ اس پر آشوب سمندر میں جو "قوموں، اور ہجوموں، اور امتوں، اور زبانوں" سے عبارت ہے۔ لہذا اسے مغربی براعظم میں تلاش کرنا لازم ہے۔»

«کدام ملتِ جهان نو در سال ۱۷۹۸ در حال برخاستن بہ قدرت بود، نوید قوت و عظمت می‌داد، و توجہ جهان را بہ خود جلب می‌کرد؟ انطباق این نماد ہیچ جای پرسشی باقی نمی‌گذارد. یک ملت، و تنها یک ملت، با ویژگی‌های این نبوت مطابقت دارد؛ این نبوت بی‌هیچ ابہامی بہ ایالات متحدہ آمریکا اشارہ می‌کند.» The Great Controversy, 441.

آخری جملہ اس پیراگراف میں، جس پر ہم غور کر رہے ہیں، اس بات کی تائید کے لیے استعمال کیا گیا ہے کہ "قدیم دنیا میں رومیت اور نئی دنیا میں مرتد پروٹسٹنٹ ازم" میں "قدیم دنیا کی رومیت" سے مراد تاریک ادوار کے دوران پاپائیت ہے، اور ریاستہائے متحدہ (مرتد پروٹسٹنٹ ازم) جدید روم ہے، جس کی نمائندگی "نئی دنیا میں مرتد پروٹسٹنٹ ازم" کے فقرے سے کی گئی ہے۔ "قدیم" کی تعریف ماضی کی تاریخ کے طور پر کی جاتی ہے، اور "نئی" کی تعریف جدید یا موجودہ تاریخ کے طور پر کی جاتی ہے۔ یہ اطلاق سسٹر وائٹ کی مسیحی دنیا نیز قدیم اور نئی دنیا، دونوں کے بارے میں قائم شدہ فہم کو مسخ کرتا ہے۔

آنان کہ این عبارت را بر حسب تاریخ گذشتہ و آیندہ بہ کار می‌برند، «تفسیر خصوصی» ای را مشخص می‌سازند کہ در تعارض مستقیم با مقصود مورد نظر خواہر وایت است. این ادعا مطرح می‌شود کہ «جهان قدیم» نمایانگر تاریخ گذشتہ است و «جهان جدید» نمایانگر تاریخ معاصر یا کنونی (جدید) است.

این بخش می‌گوید: «تعقیب خواهند کرد.» کاتولیسیم و پروتستانٹیزم مرتد «نسبت بہ کسانی کہ ہمہ فرایض الهی را حرمت می‌نهند، راہی مشابه را در پیش خواهند گرفت.» دنیای قدیم در این بخش اروپا است و دنیای جدید قارہ‌های آمریکا. خواہر وایت تعلیم می‌دہد کہ تمام جهان باید با آزمون قانون یکشنبہ مواجہ گردد، و اینکہ کاتولیسیم در آزارها در اروپا پیشگام خواہد بود و پروتستانٹیزم مرتد در آزارها در قارہ‌های آمریکا پیشگام خواہد شد. قارہ‌های آمریکا و اروپا همان چیزی ہستند کہ «جهان مسیحیت» تعریف می‌شود. ہم کاتولیسیم و ہم پروتستانٹیزم مرتد «نسبت بہ کسانی کہ ہمہ فرایض الهی را حرمت می‌نهند، راہی مشابه را در پیش خواهند گرفت.»

«دنبال خواهد کرد» بیانگر عملی در آینده از سوی هر دو قدرت است، و از نظر دستوری ناممکن است که گفته شود رومی‌گرایی جهان قدیم همان قدرت پاپی قرون تاریک است. آزار و جفایی که به وسیله هر دو قدرت اعمال خواهد شد، در زمان آینده است. تعریف این عبارت «دنبال خواهد کرد» است و معنای آن پی‌گرفتن یا تعقیب چیزی با قصد دستیابی یا رسیدن به آن است. این عبارت دلالت بر عملی در آینده دارد که در آن فرد یا گروهی متعهد است هدف یا مقصودی را به‌طور فعالانه بجوید.

این عبارت را می‌توان در بافت‌های گوناگون به کار برد: «او حرفه‌ای در پزشکی را دنبال خواهد کرد»، به این معنا که قصد دارد در مسیر پزشک شدن گام بردارد. «او مدرکی در مهندسی را دنبال خواهد کرد»، که نشان می‌دهد وی قصد دارد در یک مؤسسه آموزش عالی به تحصیل مهندسی بپردازد. «تیم این پروژه را تا تکمیل آن دنبال خواهد کرد»، که دلالت دارد بر این‌که تیم تا زمانی که پروژه به پایان برسد، به کار بر روی آن ادامه خواهد داد. «آنان علیه شرکت اقدام حقوقی را دنبال خواهند کرد»، به این معنا که قصد دارند برای رسیدگی به یک شکایت یا طلب عدالت، گام‌های قانونی بردارند. در مجموع، «دنبال خواهد کرد» دلالت بر عزم، تعهد، و قصدی روشن برای دستیابی به هدف یا نتیجه‌ای مشخص در آینده دارد.

تعبیر خصوصی‌ای که برای تعلیم این اندیشه به کار گرفته می‌شود که رومی‌گرایی جهان قدیم امری متعلق به گذشته است، سپس به منزله دستاویزی برای پشتیبانی از اعمال نادرست یک کاربست سه‌گانه نبوت مورد استفاده قرار می‌گیرد. این دیدگاه استدلال می‌کند که کاربست سه‌گانه روم نمایانگر روم بت‌پرست است، که پس از آن روم پاپی قرار دارد و سپس ایالات متحده به عنوان سومین این سه روم. کاربردی بسیار مشابه و معیوب اندکی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به کار گرفته شد، هنگامی که گروهی بر سر کتاب یوئیل از جنبش جدا شدند.

سپس این مناقشه در یک گردهمایی اردوگاهی در کانادا آغاز شد، جایی که کاربرد سه‌گانه سه وای در کتاب یوئیل گنجانیده شد تا تعلیم داده شود که اسلام وای سوم همان امتی بود که در آیه ششم باب اول بر ضد آن سرزمین آمد. آن امت، روم پاپی است، اما تفسیری خصوصی وارد شد که مدعی بود آن امت، اسلام است. کاربرد سه‌گانه سه وای، اسلام را به عنوان قدرت یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تثبیت کرده بود، و این تفسیر خصوصی جدید اصرار می‌ورزید که قدرت پاپی یوئیل باب اول در واقع اسلام است. تفسیری خصوصی که شناسایی صحیح قدرت پاپی را در کتاب یوئیل رد می‌کرد، به واسطه کاربرد نادرست سه وای تقویت شد. اکنون تفسیری خصوصی که برای ایالات متحده، قدرت پاپی را کنار می‌نهد، در حال معرفی شدن است.

آنچه بوده است، همان است که خواهد بود؛ و آنچه انجام شده است، همان است که انجام خواهد شد؛ و زیر آفتاب هیچ چیز تازه‌ای نیست. آیا چیزی هست که درباره‌اش گفته شود: ببین، این تازه است؟ آن نیز از دیرزمان بوده است، پیش از ما وجود داشته است. جامعه ۹:۱۰.

د وروستيو ورځو شخړې د پخوانيو شخړو تکرار هم رانغاړي، او د دانیال د یوولسم څپرکي په باب د اوریا اسمیت شخړه دا وه چې هغه د شمال د پاچا پر نښان خپلې شخصي تعبیرات وتپل. په دې کار سره یې د دانیال د یوولسم څپرکي داسې پوهاوی جوړ کړ چې یوازې یې تیاره وزېږوله. په دغو وروستیو ورځو کې هغه شخړې چې بیا تکرارېږي، په ځانگړي ډول د دې ثمرې پېژندنه ده چې پر ټینگه شوې حقیقت د شخصي تعبیراتو له تطبیق څخه راولاړېږي. همدا کار اسمیت په خپل کتاب، Daniel and the Revelation، کې وکړ. همدا کار د یوئیل د کتاب په شخړه کې وشو، او همدا یو شان بهیرونه هغه وخت هم کارول کېږي کله چې له The Great Controversy څخه یوه فقره د نړۍ په دننه او د Ellen White په لیکنو کې د دې تعریف له منلو ډډه کوي چې "Christendom" د څه استازیتوب کوي، او ورسره د نحو د بنسټیزو قواعدو ردول هم مل وي چې څرگندوي عبارت

“pursue” pursue“ یوې راتلونکې پېښې ته اشاره کوي. له همدې مرجع نقطې څخه، دا نیم‌ګړی تصور چې “World” World“ د 538 څخه تر 1798 پورې د پاپي ځواک تاریخ دی، بیا د دې لپاره کارول کېږي چې د نبوت د درې‌ګوني تطبیق د تعریف پر ټین‌ګه شوې پوهه اعتراض وشي.

«هر آنچه خدا در تاریخ نبوی معین کرده بود که در گذشته به انجام رسد، به انجام رسیده است؛ و هر آنچه هنوز در ترتیب خود در پیش است، به وقوع خواهد پیوست. دانیال، نبی خدا، در جایگاه خویش ایستاده است. یوحنا در جایگاه خویش ایستاده است. در مکاشفه، شیر سیط یهودا کتاب دانیال را بر شاگردان نبوت گشوده است، و بدین‌سان دانیال در جایگاه خویش ایستاده است. او شهادت خود را ادا می‌کند، یعنی آنچه را که خداوند در رؤیا از وقایع عظیم و مهیبي که باید بدانیم، در حالی که بر آستانه تحقق آنها ایستاده‌ایم، بر او مکشوف ساخت.»

«در تاریخ و نبوت، کلام خداوند کشاکش دیرپای میان حقیقت و خطا را به تصویر می‌کشد. آن کشاکش هنوز نیز ادامه دارد. آنچه بوده است، بار دیگر تکرار خواهد شد. مناقشات کهن از نو زنده خواهند شد، و نظریه‌های تازه پیوسته سر بر خواهند آورد. اما قوم خدا، که در اعتقاد به نبوت و تحقق آن، در اعلان پیام‌های فرشته اول، دوم، و سوم نقشی ایفا کرده‌اند، می‌دانند که بر چه موضعی ایستاده‌اند. آنان تجربه‌ای دارند که از طلای ناب گران‌بها تر است. ایشان باید همچون صخره‌ای استوار بایستند و آغاز اعتماد خویش را تا به انتها محکم نگاه دارند.» Selected Messages, book 2, 109

به‌آسانی می‌توان نشان داد که خواهر وایت «ابتدای اطمینان ایشان» در سخن پولس را همان حقایق بنیادی ادونتیسیم می‌شناسد. میلری‌ها تعلیم می‌دادند که «دزدان قوم تو» همان قدرت پاپی است، و از سال 1989 به این‌سو، حرکت یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر بارها همان فهم از این نماد را شناسایی کرده است که میلری‌ها نیز داشتند. اکنون «نظریه‌ای جدید» درباره‌ی این که «دزدان قوم تو» چه کسانی‌اند پدید آمده است، و از این جهت مجادله‌ای کهن را زنده کرده است که با به‌کارگیری شناسایی نادرست یک نماد تثبیت‌شده نبوی، الگویی نبوی بنا می‌کند که بر ریگ افراشته شده است. خواه این امر تفسیر خصوصی اسمیت بوده باشد، یا کاربرد نادرست آن قوم در فصل اول یوئیل، یا شناسایی ایالات متحده به‌عنوان روم جدید؛ هر سه مغالطه به فهم درست روم پاپی در ایام آخر حمله می‌کنند، و بدین‌سان به آن نمادی حمله می‌برند که رؤیای نبوی را تثبیت می‌کند؛ همان رؤیایی که مشخص می‌سازد آیا قوم خدا هلاک می‌شوند یا زنده می‌مانند.

در آینده، رومی‌گرایی در اروپا و پروتستانیسم مرتد در قاره‌های آمریکا، همان‌گونه که در سراسر تاریخ مقدس انجام شده است، «به آزار و اذیت» نگاه‌داران سبت خواهند پرداخت.

«خدا قوم خود را بیدار خواهد ساخت؛ اگر وسایل دیگر کارگر نیفتد، بدعت‌ها در میان ایشان وارد خواهد شد، که آنان را غریبال خواهد کرد و کاه را از گندم جدا خواهد ساخت. خداوند همه آنان را که به کلام او ایمان دارند، فرامی‌خواند که از خواب بیدار شوند. نور گران‌بهای آمده است که برای این زمان مناسب است. این نور، حقیقت کتاب مقدسی است که خطراتی را که درست پیش روی ماست، آشکار می‌سازد. این نور باید ما را به مطالعه‌ای جدی در کتب مقدس و به دقیق‌ترین بررسی مواضعی که بدان‌ها پایبندیم، رهنمون شود. خدا می‌خواهد که همه ابعاد و مواضع حقیقت، با دعا و روزه، به‌طور کامل و پیگیرانه مورد جست‌وجو قرار گیرد. ایمانداران نباید در گمان‌ها و تصورات مبهم درباره‌ی آنچه حقیقت را تشکیل می‌دهد، آرام گیرند.» Gospel Workers.

299

هم ان خیالات کو اگلے مضمون میں جاری رکھیں گے۔